

ارتباط بین جهت‌گیری مدیریت، تصمیم‌گیری و خصوصیات آندروجینی^۱

نویسنده: دکتر سودابه مرشدیان رفیعی

چکیده

این بحث ارتباط بین آندروجینی و مدیریت، همچنین متغیرهای مربوط به آن را مورد پژوهش قرار می‌دهد. این متغیرها از جهت ارتباطی که ذکر خواهد شد بررسی می‌شود:

الف - آندروجینی و جهت‌گیری مدیریت

ب - آندروجینی و تأثیر تصمیم‌گیری بر روش عملکرد در مدیریت از جهت قابلیت تطبیق میزان خصوصیات آندروجینی در افراد مختلف تا حد قابل توجهی تفاوت دارد. بنابراین در این بررسی دو گروه با هم مقایسه شده‌اند: ۱- زنان شاغل ۲- زنان خانه‌دار
بین آندروجینی و جهت‌گیری مدیریت ارتباط قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد، ولی بین آندروجینی و قابلیت سازگاری در روش عملکرد مدیریت ارتباط چشمگیری وجود دارد. افراد آندروجین از این قابلیت، بیشتر برخوردارند، همچنین زنان شاغل بیشتر از غیرشاغلین دارای خصوصیت آندروجین هستند.

مقدمه

ولی هنوز تعریف جامع و روشنی از رهبریت نشده است که بتوان در همه شرایط آن را به کار برد.

در فرهنگ اصطلاحات آمریکا مفاهیم مدیریت و روش رهبری بخوبی بررسی شده است

۱ - Androgyny - نر و ماده - منظور از آندروجینی، خصوصیات رفتاری مردانه و زنانه است.

رهبر مؤثر است. آنها معتقد بودند همه افراد توانایی رهبر شدن را دارند به شرطی که در شرایط خاص و مطلوب قرار گیرند (پرتز، لالر، هکمن)^۴ فیدلر در ادامه بحث خود درباره چگونگی بوجود آمدن شرایط خاص بیان می‌دارد که سه متغیر در این شرایط دخالت دارند: ۱- روابط میان اعضا ۲- ساختار وظیفه و مأموریت ۳- قدرت و موقعیت مقام و شغلی، این فرضیات شامل خصوصیات رهبری و نیز شرایط خاص بروز رهبری می‌باشد.

این بررسی تلاشی دیگر بود جهت مشخص کردن رابطه متقابل بین خصایص یک رهبر، رفتار رهبریت و شرایط خاص حاکم.

آندروجینی از دو کلمه یونانی آندروس و جینی به معنی مرد و زن گرفته شده است. آندروجینی عبارت است از: شرایطی که در آن خصوصیات و انگیزه‌های متظاهر در زن و مرد بصورت خشک و یک‌طرفه نمایان نمی‌شود. همچنین بیان آشتی و سازش بین دو جنس مخالف است (Heilbrun), 1974.

از دیدگاه روانشناسی، آندروجینی توانایی یک مدیر را جهت تشخیص شرایط برای تطبیق خود با آن شرایط آسان می‌کند. همچنین می‌توان چنین نتیجه گرفت، در جامعه‌ای که مردم آندروجین هستند قدرت تصمیم‌گیری در تشکیلات شغلی

طبق گزارش استوگدیل^۲ برای واژه رهبریت تعاریف بسیاری شده است. بیشتر نویسندگانی که درباره مدیریت می‌نویسند چنین برداشتی از رهبریت دارند: نفوذ در مردم جهت هدایت تلاشهای آنها برای رسیدن به اهداف خاص و مورد نظرشان^۳.

عقاید و نظریه‌های اولیه‌ای درباره خصوصیات یک رهبر قبل از ایجاد روانشناسی سازمانی وجود داشته است. بیشتر این فرضیه‌های اولیه باعث می‌شد برخی از خصوصیات رهبری کنار گذاشته شود، خصوصیات که در شخصیت ظاهری همه رهبران وجود داشت. برای مثال: فرضیه خصیصه، رهبریت موفق را از دیدگاه خصوصیات شخصی فرد بررسی کرده است. (Hodgetts-1975).

فرضیه رهبریت فرد بزرگ^۴، بیان می‌دارد که رهبران، رهبر متولد می‌شوند و مردان بزرگ تاریخ را می‌سازند. همچنین علت تغییرات اجتماعی را در وجود بیشتر بازیگران صحنه سیاست می‌یابند.

فرضیه پردازان دیگری که طرفدار نظریه لزوم شرایط خاص^۵ در بروز رهبریت هستند مثل (فیدلر، فیلی و هاوس)^۶ فرضیه خصایص^۷ بالا را رد کردند و گفتند که شرایط زمانی خاصی در ظهور

2- Stogdill, 1974

3- Hodgetts, 1975

4- Great man theory of leadership

5- Situational theorists

6- Fiedler 1967, Filley & House 1969

7- trait theory

8- Porter, Lawler, & Hackman 1975

اندامهای جنسی او آنچه را که والدین از نظر شخصیت و رفتار از او انتظار دارند، مشخص نمی‌کند. همچنین در این جامعه، کودک می‌تواند آزادانه رشد نماید، زیرا نابرابری‌های جنسی، نژادی و اقتصادی از بین رفته است و با از بین رفتن سدهای طبقاتی، نژادی و جنسی همه می‌توانند از حس جدید یگانگی و یکی بودن از نظر اجتماعی و روانی برخوردار باشند (Bazin, Freeman).

هلیران^۱ آندروجینی را به شرح زیر تعریف کرده است:

... شرایطی است که در آن خصوصیات و انگیزه‌های دو جنس بطور دقیق در جای خود قرار نمی‌گیرد. آندروجینی سازش بین جنس‌های مخالف است و بیانگر تجربیات کامل بر روی افرادی است که مثل زنان پرخاشگر و مثل مردان ظریف هستند. آندروجینی نشانگر وضعیتی است که در آن انسانها جایگاهشان را بدون توجه به دارایی و یا عادات انتخاب می‌کنند. بنابراین آندروجینی بر این پندار استوار است که یک مرد، الزاماً تجسمی از مفهوم مذکر در جامعه ما نیست. یعنی موجودی عینی، منطقی، (Bazin, Freeman) استقلال‌جو، رقابت‌گر (Bem, 1974) و یا یک زن الزاماً موجودی می‌باشد دارای بصیرت درونی، خلق‌الساعه، (Bazin, Freeman 1974) دل‌رحم، تسلیم‌پذیر. (Bem, 1974)

آندروجینی این مفهوم را می‌رساند که مردها و زنها هر دو قادر به انجام مقاصد مردانه و

بیشتر است. یک آندروجین می‌تواند از تلفیق خاصیت مردانگی و زنانگی در رفتار خود بهره‌مند شود.

از نظر تئوری، صرف‌نظر از اینکه جنس مذکر یا مؤنث را به عنوان جنس غالب در نظر بگیریم، شخص آندروجین نیازی ندارد که رفتارهای خود را به رفتارهای منحصر به یک جنس (از نظر سنتی) محدود کند ولی این آزادی را دارد که در لحظات خاصی موضع مناسبی در پیش بگیرد (Bem, Lenny, 1976). در سالهای اخیر تعریف نقش جنسیت اهمیت بیشتری یافته است. برای مثال، جنبش آزادی زنان و اصلاح حقوق برابر که به تازگی پیشنهاد شده است، با مفاهیم سنتی نقش جنسیت تقابل دارد (Segal, Richman 1978). این فعالیت‌ها با تلاش جهت رسیدن به حقوق برابر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زنان و مفهوم سنتی نقش جنسیت در تضاد است. اکنون به تشابه نقش زنان و مردان توجه بیشتری شده است، زیرا مرزبندی مشخصی بین نقش جنسیت وجود ندارد (Lee 1976).

منظور از مفهوم آندروجینی روانشناسی (Bazin, Freeman, Bem, Lenny) تلفیقی از خصوصیات مردانه و زنانه و واکنش‌های موجود در فرد است. طبق نظرات (Freeman, Bazin 1974) مفهوم آندروجینی ریشه در گذشته‌ها دارد و خصوصیات مردانه و زنانه را بهم پیوند می‌دهد. در یک جامعه آندروجین وقتی کودکی متولد می‌شود

وقت لازم را برای کار در خارج از منزل داشته باشند.

طبق نظریه Freeman 1974 این تقسیم کار نه تنها زنان را مانند بردگان می‌داند بلکه شخصیت، رفتار و نگرش آنها را نیز مشخص می‌کند. این افراد از تطبیق ضعیف روانشناسی برخوردارند. عامل دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد، اشتغال زنان است. تقسیم‌بندی زنان به دو گروه شاغل و غیرشاغل تأثیر محیط کار بیرون را بر میزان خصیصه آندروجینی در فرد نشان می‌دهد. زنان شاغل اغلب ارزشهای مثبت آندروجینی را از خود بروز می‌دهند. آنها بسیار خلاق هستند و می‌توانند بخوبی موقعیت‌ها را تشخیص و خود را با آن شرایط وفق دهند. از افراد آندروجین انتظار می‌رود که در صورت عدم موفقیت تشویش کمتری داشته و از خود ترس کمتری نشان دهند.

Bem 1974 معتقد است که از نظر روانشناسی، آندروجین یک فرد طبیعی و سالم است. به عبارت دیگر آندروجینی با سلامت ذهنی ارتباطی مثبت دارد. او چنین فرض کرد که افراد مذکر و مؤنث از نظر نقش جنسیت در شرایط مختلف، سازش کمتری نشان می‌دهند ولی افراد آندروجین در شرایط مذکور رفتار مؤثرتری ارائه می‌کنند.

براساس این بررسیها نتیجه می‌گیریم که وقتی در شرایطی هستیم که ایجاب می‌کند تصمیم درستی گرفته شود، لازم است شخص، خود را با آن موقعیت خاص وفق دهد. در این شرایط فرد آندروجین سازش بیشتری با محیط دارد و

زنانه هستند (Bem, lenny, 1976) آندروجین را چنین تعریف کرده‌اند: فردی که توانایی تلفیق خصایص مردانه و زنانه را در شخصیت خود داشته باشد و به‌عنوان یک الگوی مناسب‌تر از نظر نقش جنس خود، در جامعه ظاهر شود. این افراد بطور معمول دارای خصایص متناسب با جنسیت خود هستند، ولی صرفنظر از آنکه آنها را مؤنث یا مذکر بدانیم باید برای شرکت در هر نوع فعالیتی که مؤثر بنظر می‌رسد، از آزادی روانشناسانه استفاده کنند.

مطالعات نشان داده است که تأکید نسبی والدین بر خصایص مذکر و مؤنث در تعیین موقعیت اجتماعی کودکان نقش مؤثری دارد. همچنین افراد آندروجین از خصایص و الگوهای سنتی و فرهنگی زنانه و مردانه نیز برخوردارند بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که براساس میراث‌های اقتصادی، فرهنگی و بیولوژیک است که اصول خصایص مردانه و زنانه تعریف شده است و به دلیل تمایز نقش کار و جنسیت که براساس چنین تقسیم‌بندی از هم مرزبندی شده‌اند زنان را با واژه‌هایی مانند منفعل، دارای بصیرت درونی ذهن‌گرا، بی‌گناه، هیجانی و عامل رشد دهنده می‌شناسند. آنها عقیده داشتند چون زنان اکثر اوقات خود را در خانه می‌گذرانند منفعل، ذهن‌گرا، معصوم و ... هستند. زنانی که به جای شوهرانشان کار می‌کنند در چارچوب اقتصاد خانه‌داری عمل می‌کنند ولی به شغل آنها رسمیت داده نمی‌شود. درحقیقت زنان برای نیروبخشیدن به اقتصاد، کارگران آینده را تغذیه می‌کنند و همسرانشان را از وظایف خانه‌داری آزاد می‌نمایند بطوری که نیرو و

مدیریت بگیرد بنابراین آنها در تصمیم‌گیری‌های مدیریت موفق‌ترند. یک فرد با اتکا به شخصیت آندروجینی می‌تواند در شرایط گوناگون مدیر مؤثر یا غیرمؤثری باشد و به گفته (Bem 1974) آنها شرایط بهتری دارند.

نتیجه‌ای که از این بررسی می‌گیریم این است که آندروجینی بر رفتار اثر می‌گذارد. بنابراین از افراد آندروجین انتظار می‌رود در تطبیق خویش با شرایط مختلف توانایی بیشتری از خود نشان دهند. اینگونه افراد در شرایط تصمیم‌گیری مدیریتی، مؤثرتر عمل می‌کنند زیرا در روش عملکرد، از قابلیت تطبیق بیشتری برخوردارند.

تصمیم‌گیرنده موفق‌تری نیز خواهد بود. او در روش‌های خشک و صرفاً رفتاری محدود نیست بلکه با به کارگیری خصایص متفاوت توانایی بیشتری برای تطبیق خود با محیط دارد. به علاوه، عوامل مهم دیگری نیز در تعیین آندروجینی وجود دارد، از قبیل موقعیت موجود، تجربیات قبلی آموزش فرد و همچنین عوامل دیگر شخصیتی او مانند میزان احترام و اعتماد به نفس. به بیانی دیگر آندروجینی توانایی یک مدیر را جهت تطبیق و سازش خود با شرایط موجود ساده‌تر می‌کند و می‌تواند میزان وسیعی از رفتارها و واکنشها را آسان کند. آندروجینی می‌تواند بخاطر داشتن قابلیت سازگاری، تصمیمات مؤثری در

منابع و مأخذ

- Bazin, N.T., & Freeman, A. The androgynous division. *Women's studies*, 1974, 2, 185-215
- Bem, S.L. The measurement of psychologically androgyny. *Journal of consulting and clinical psychology*, 1974, 42, 155-162.
- Bem S. L. Sex-role adaptability: One consequence of psychological androgyny. *Journal of personality and social psychology*, 1975, 31, 634-643.
- Bem, S.L. , & Lenny, E. Sex typing and the avoidance of cross-sex behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1976, 33, 38-54.
- Fiedler, F.E. *A theory of leadership effectiveness*. New York: McGraw-Hill, 1964.
- Fiedler, F.E. Personality and situational determinants of leader behavior. In e.A Fleishman & J.G. Hunt (EDS.), *current developments in the study of leadership*. Carbondale: Southern illiois university press, 1973.

Fleishman, E. A., & Peters, D. R. interpersonal values, leadership, attitudes, and managerial success, *personal psychology*, 1962, 15, 127-143.

Fronzo, J.D., Boudrea, F. Further research in to antecedents and correlates of androgyny. *Psychological reports*, 1979, 44, 23-29.

Heilbrun, C. Future notes toward a recognition of androgyny. *Women's studies*, 1974, 2, 143-149.

Helmreich, R.L. Spence, J. T., & Holahan, C. K. psychological androgyny and sex-role flexibility. *Journal of personality and social psychology*, 1979, 37 (10), 1631-1643.

Stogdill, R. Personal factors associated with leadership: A survey of literature. *Journal of psychology*, 1948, 25, 35-71.

Vroom, V. H., & Jago, A.G Decision-making as a social process: Normative and descriptive models of leader behavior. *Decision sciences*, 1974, 5, 743-769.

Wiggins, J.S., & Holzmuller, A. Psychological androgyny and interpersonal behavior. *Journal of consulting and clinical psychology*, 1978, 46 (1), 40-52.